

بنام خدا

نمادشناسی رنگ در شعر و نقاشی انقلاب (دهه اول)

چکیده:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هنرمندان کوشیدند تا آثاری را ویژه این سرزمین و در خور انقلاب بیافرینند. آنچه بیش از همه بر اهتمام این هنرمندان موثر بود، هشت سال جنگ و دفاع از کیان این سرزمین بود که هنر انقلاب را تحت شعاع قرار داده چون موتور حرکتی بر سرعت و کیفیت شکل گیری آن افزود.

در نقاشی انقلاب نماد و نشانه های تصویری ایی شکل گرفت که همزمان در کلام و سروده های شاعران نیز تبلور یافت. این نشانه ها گاه به سمبل ها یا نماد گرایی در بیان هنر انجامید. از جمله این نشانه ها رنگ است. رنگ در آثار هنرمندان انقلاب بیان سمبلیک و معنای خاص دارد که ریشه در فرهنگ و ادبیات و معارف ایران دارد.

در هنر انقلاب در طی سالها و در آثار متنوع استفاده های متعدد از رنگ بدیهی بنظر میرسد. اما نماد گرایی رنگ میان شعر و نقاشی انقلاب به بیان مشترکی میرسد، که بررسی و توضیح آن منظور این مقاله است.

این مقاله به بررسی بینامتنی و تطبیقی شعر و نقاشی انقلاب می پردازد.

از نظر نشانه شناس روسی یوری لوتمان^۱ (1922) "در سراسر تاریخ بشر، دو نشانه فرهنگی مستقل و برابر می یابیم: واژه و نقش." از واژه ها، هنر های کلامی حاصل می شود، و از نقشها هنر های تصویری. و هر دو گونه این نشانه ها قابل تعبیر است: شعر و نثر ادبی "تصویر کلامی" می آفریند، و متن شاعر "نشانه ای تصویری" است. در عوض نقش می کوشد تا شرح دهد. بدون شک کلام خود نشانه است و مدلول و تصویر نیز دال بر مدلولی است. هیچ هنری بدون از زبان یک جامعه شکل نمیگیرد و هنرمندان در رشته های مختلف در گیر زبان هستند. شعر را می توان نماینده شکل هنری زبان در جامعه بر شمرد.

در این جا مرز مشترک بیان در آثار نقاشی و شعر انقلاب، در کاربرد رنگ را بررسی خواهیم کرد. گرچه بر این امر واقفیم که کلام دنیای مخیل گسترده تری را در قیاس با نشانه گذاری های بصری و تصویری نقاشی در اختیار دارد. و تصویر مصداق نشانه شده گستره کلام می تواند باشد و یا به عبارتی شرح مصداقی کلامی است.

در این بررسی غالباً اشعار و نقاشی های تا سال 68 مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: نقاشی انقلاب، شعر انقلاب، رنگ سرخ، رنگ سبز. سبز سرخ.

مقدمه: اهمیت رنگ در نقاشی قرن بیستم

رنگ یکی از مباحث مهم در هنرهای تجسمی است، قرن بیستم در واقع قرن تحول در رنگ گذاری آثار نقاشی و قرن بیان بیشتر با رنگ‌های فراگیرتر و آزادتر است. اولین گام‌های رهایی نقاشی از دنیای کلاسیک، در آثار دلاکروا، با آزادی و بی‌پروایی رنگ خود را نشان می‌دهد، او قلم را به رنگهای آبی و سرخ خالص متمایل می‌سازد. این حرکت در نقاشی طبیعت‌پردازی چون ویلیام ترنر نیز اوج می‌گیرد و رنگها که به ظاهر برداشتی از طبیعت میباشند با درخشش و پویایی، بیان انتزاعی یافته، حکایت از احوال روزگار هنرمند دارد. رنگهایی متلاطم و رقصان در نور، شور و التهاب جنبش‌های اجتماعی دوران نقاش است و نسل بعد خود را متأثر می‌سازد. بعدها امپرسیونیست‌ها قلمو را با دیدی تیزبینانه در خدمت طبیعت و فیزیک رنگ قرار می‌دهند. تغییرات رنگ در تلالو نور روز، با دقت یک آزمایشگر علوم تجربی ثبت می‌شود و حاصل آن درخشش بی‌نظیر و رنگینی است که در آن انسان و محیط او را در ذرات نورانی شناور نشان می‌دهد.

ونگوگ (1853-1890) رنگ را برای بیان احساس عشق و محبت بیدریغ و هیجان وافرش با خط درآمیخت و خالص و روشن، بر تابلو قرار داد؛ او میخواست آنچه را که گذشتگان به وسیله هاله نشان میدادند با "درخشش ولرزش خود رنگ" نشان دهد. (رید، 1371، ص 168) سزان (1839-1906) که پدر نقاشی مدرن شناخته شد، در تمام عمر کوشید اندیشه‌های خود را در مورد ماهیت هنر به کمک رنگ بیان کند. (هاروارد آرناسن، 1367، ص 42)

رنگ در قرن بیستم در سبکهای فوویسم و کوبیسم، و اکسپرسیونیسم، و اکسپرسیونیسم انتزاعی، آزادانه برای بیان احساس هنرمند در تابلو می‌نشیند.

کاندینسکی در شکل‌گیری سبک انتزاعی با نقاشی و نوشته‌هایش تلاش کرد و ارزش رنگ را برای بیان و نمایش احوال روحی، مانند نت‌های موسیقی برشمرد. او معتقد بود که "هنرمند باید نه تنها چشم بلکه روح خود را نیز تربیت کند بطوری که بتواند رنگ‌ها را فی‌نفسه و نه تنها از نظر تاثیر ظاهری شان آزمایش کند." (کاندینسکی، 1384، ص 131-)

ماتیس رنگ را برای نشان دادن شادی و زیبایی به کار گرفت. قرمز در کنار نارنجی، شاید به نظر ناشیانه، تند و توحش‌آمیز می‌آمد اما او می‌خواست همه چیز در پرتو شادی و نشاط به آواز درآید، به نظر او: "رنگ مایه‌های رنگ، مانند مایه‌های صدا از بافتی لطیف برخوردار دارند و در روح احساساتی والا را بر می‌انگیزاند، والاتر از آنچه در قالب کلمات در آید." (رید، 1371، ص 220)

علی‌رغم بیان آزاد و معناگرای رنگ در قرن بیستم، بیان سمبولیک از رنگ را نیز شاهدیم.

داستیل و استفادۀ موندریان (1872-1944) از رنگ با بیان سمبولیک از دیگر گروه‌های هنری است که با قرارداد پذیرش رنگ خاص، بیان خاص و نمادین از جهان آفرینش را ارائه داد. در آثار موندریان و گروه داستیل که او از رهبران آن بود، بر رنگهای اصلی، و رنگهای خنثی (سیاه، سفید، خاکستری)، تأکید می‌شد، سه رنگ اصلی زرد به عنوان اشعه خورشید و آبی نماینده آسمان و قرمز به عنوان واسطه رنگی بودند. گروه داستیل با اختیار کردن و تأکید بر این رنگها در

واقع کوشیدند تا جهان آفرینش را با تفاسیری که از کشیش آلمانی شوون ماخر که نماینده تصوف مسیحی بود، بیان کنند. (ص 139-141, 1972, Boness)

از موارد دیگر بیان سمبلیک رنگ در قرن بیستم استفاده موجد انقلابیون روسیه از رنگ قرمز است که در آثار ساختارگرایان (کنستراکتیویسم) در نقاشی و گرافیک سالهای پس از انقلاب 1917 نشانه پیروزی انقلابیون و طبقه کارگر بر دشمنانش می‌باشد. نمونه بارز و آشکار آن اثری است از ال لیسیتزکی در تصویرسازی نمادین کتاب دو مربع (سرخ و سیاه-1922)، مربع قرمز حمله‌های رنگ سیاه را درهم می‌شکند و بر آن پیروز می‌شود. یا نماد مثلثی قرمز در مبارزه با سیاهی، در پوستری دیگر از او



میباشد. (تصویر شماره 1)

استفاده نمادین از رنگ قرمز در انقلاب روسیه، کاربرد دیگر رنگ را تقویت نمود. بدیهی است که تحرک و شور و عشق و التهاب و خشم، از معانی متضاد مستتر در رنگ قرمز است. از سویی قرمز رنگ خون است و می‌تواند نماینده شهادت و مبارزه باشد. بعد ها رنگ سرخ نمادین انقلاب بلشویک‌ها، بر پهنه پرچم اتحاد جماهیر شوروی نشست و معنای سمبلیک آنرا ملیت بخشید.

هنر انقلاب

از نظر لوتمان (1922) "در سراسر تاریخ بشر، هر قدر هم که به عقب برگردیم، دو نشانه فرهنگی مستقل و برابر می‌یابیم: واژه و نقش." از واژه‌ها، هنرهای کلامی حاصل می‌شود، و از نقشها هنرهای تصویری. اما هر دو گونه این نشانه‌ها قابل تعبیر است: شعر و نثر ادبی "تصویر کلامی که ماهیت تمثالی آن بارز است" می‌آفریند، متن شاعر "نشانه‌ای تصویری" است. در عوض نقش می‌کوشد تا شرح دهد. (تادیه، 1378، ذ ص 244)

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقاشان جوان و شاعران، کوشیدند تا شعر و هنر انقلاب را پرورش دهند و آثاری متمایز از دوران گذشته بیافرینند. با وقوع جنگ در سال 1360، گویی خونی تازه در رگ این هنرمندان جوان دمیده شد و با انگیزه‌ای دو چندان و اینبار به جهت مبارزه با دشمن دست به هنرآفرینی زدند. این هنرمندان آثاری با تمایلات ملی و مذهبی آفریند. آثار ایشان به طبع در تقویت شعائر دینی بوده بیانگر اهداف ملی و مذهبی در رابطه با جنگ تحمیلی و نمایش رنجهای حاصل می‌باشد. جنگ در شکل‌گیری هنر انقلاب موثر بود، هنری که با آگاهی از نیازهای روزمره ملی و جهانی و آگاهی از فرهنگ و هنر قالب جهان یعنی هنر غرب، (خاصه در نقاشی)، خود را از روزمرگی و سرگردانی آن متمایز می‌ساخت این تمایز نه تنها در تکنیک و بیان که در مضمون و اهدافش، ویژگی‌های خاص می‌یافت.

در همین دوران شعر و ادبیات انقلاب نیز شکل گرفت ، بر گزاری شبههای شعر در جبهه و پشت جبهه توسط شاعرانی که خود بعضی رزمنده بودند، منعکس کننده حال و هوای آن دوره و نشانه تاثیر جنگ و آرمان های دینی در شعر انقلاب است. شعر انقلاب با شعر متعهد و آزادیخواهی دوران مشروطیت و بعد از آن ، از جهت بعضی اهداف و کاربرد کلمات و صور خیال دارای مشابهت است از این رو بعضی نماد ها در این قسم از اشعار مشترک است.

شعر مقاومت از سالهای مبارزه رضاخانی باشاعرانی همچون بهار، میرزاده عشقی و عارف آغاز شده تا انقلاب اسلامی، عناصر و شاکله‌های ویژه‌ایی را با خود حمل می‌کرد. شعری که بر پایه تعهد ملی و یا مذهبی و با انگیزه مبارزه با ظلم و بیهودگی و روزمره‌گی و مادیرگرایي شکل گرفته بود.

این ویژگی روشنگری و سازندگی و تعهد در میان شاعران نو گرا و کلاسیک نمایندگان پر کاری را داشته است. از آن جمله اشعار ملک الشعرای بهار ، شفيعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج و از شاعران انقلاب برجسته‌ترین ایشان از قیصرامین‌پور و سلمان هراتی می‌توان نام برد. شعر شاعران بعد از انقلاب ویژگی‌هایی مشترک با شاعران عصر روشنگری ماقبل خود را داراست و در تعهد به آرمان های دینی در عین شاخص شدن و جه مشترک با شعر عرفانی دوران گذشته دارد. آنچه در شعر انقلاب به رشته کلام در آمده با نقاشی انقلاب ویژگیهای مشترک دارد.

از نظر یوری لوتمان" در سراسر تاریخ بشر ، هر قدر هم که به عقب برگردیم ، دو نشانه فرهنگی مستقل و برابر می یابیم : واژه و نقش ." از واژه ها ، هنر های کلامی حاصل می شود ، و از نقشها هنر های تصویری . اما هر دو گونه این نشانه ها قابل تعبیر است: شعر و نثر ادبی " تصویر کلامی که ماهیت تمثالی آن بارز است " می آفریند ، متن شاعر "نشانه ای تصویری " است. در عوض نقش می کوشد تا شرح دهد. (تادیه ، 1378، ذ ص 244)

در واقع نقش و تصویر از فرهنگ دوران خود و خاصه از کلام نمی تواند بی تاثیر باشد. این تاثیر در موضوع مورد بحث ما در رنگهای بکار گرفته در کلام (شعر) و تصویر (نقاشی) کاملا آشکار است .

رنگ با حس بینایی در ارتباط است ، و بینایی بیشترین حس فعال در درک انسان است ، رنگ یکی از موثر ترین صور خیال است که در ساختن مجاز ها و در خلق استعاره ها و تشبیهات متحرک حسی اهمیت بسیار دارد . رنگ در ایجاد تصویرهای شاعرانه سهم عمده ای دارد و از قدیمترین ایام ، مجازها و استعاره های خاصی با رنگ در امور معنوی ساخته شده است. (شفيعی کدکنی ، 1366، صص 271-274).

در این جا بحث نمادگرایی رنگ را در هنر انقلاب میان شعر و نقاشی بررسی میکنیم. رنگ در بیان حس آمیزی در شعر و نقاشی بسیار موثر است ، اگرچه این تاثیر در نقاشی به مراتب از شعر بیشتر نمود دارد .

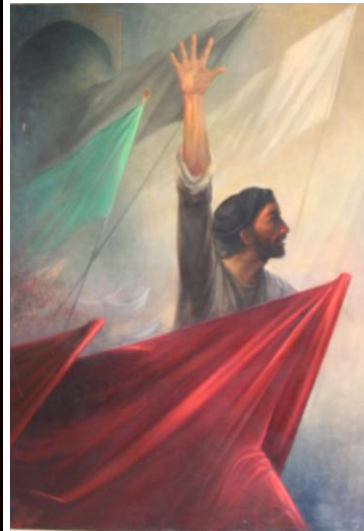
رنگ در آثار نقاشی انقلاب

بی‌شک در بررسی تابلوهای نقاشی بعد از انقلاب ، در مجموع دو رنگ قرمز و سبز و سیاه و سفید و آبی، بیش از همه به چشم می‌آید. با نگاهی به آثار نقاشی هنر انقلاب اسلامی و هنر مقاومت به وضوح می‌توان دید که ترکیب رنگی سبز و سرخ از مجموعه رنگهای مکمل بیان غالب را در تابلوهای نقاشان داراست. پرچم های سرخ و سبز ، نوارهای سرخ

بر سر رزمندگان ، سرو های سبز و رنگ لباس ، تاش های رنگی سبز و سرخ ، از تصویرهای ارائه شده است که دو رنگ سرخ و سبز در آن بیشترین نماد گرایی در القای معنا را داراست.



3-



2-

در یکی از اولین آثار نقاشی انقلاب از چلیپا ، حرکت طلبه جوانی که رو به جلو گام بر میدارد ، با پرچم سرخ در جلو و پرچم سبزی از پی تقویت شده است. (تصویر شماره 2)

در نقاشی از صدیقه سلمان ، زن جوانی دیده میشود که لباس سبز در بر دارد و نوار سرخی بر سر بسته و هوشیار و با استقامت فرزندش را در آغوش دارد. بی شک رنگ لباس زن به واسطه واقعیت گرایی به رنگ سبز نقاشی نشده چنانچه می توانست آبی یا قهوهایی باشد، بلکه علاوه بر کنتراست رنگی در تابلو ، بیان سمبولیک رنگ که تواما اشاره به جوانی و معنویت دارد ، در انتخاب رنگ توسط نقاش موثر بوده است. (تصویر 3)

در تابلویی از ناصر پلنگی زنان و مردانی که پیکر شهید را حمل میکنند نیز در نوری سبز شناورند و پوشش ایشان سبز یا سرخ و سیاه دارند. (تصویر 4) در اثر دیگری از چلیپا ، مادر تقدیر شهادت را برای فرزندش از دوره جنینی تا وقتی که رزمنده شده و به شهادت میرسد با حمایت نور سبز و سفید سوار مقدسی که پشت او قرار دارد می پذیرد. نیمی از تابلو که حادثه از تولد تا شهادت است در رنگ قرمز است. (تصویر 5) در نقاشی پانزده خرداد از گودرزی جمعیتی از زنان در تظاهرات را پرچم سبزی از پشت سر حمایت میکنند. (تصویر 6)

تصاویر به ترتیب از چپ 4 و 5 و 6



سرخ، رنگی است که اشاره به جوانی و شادابی دارد و علاوه بر آنکه عشق را میرساند، نشانه خشم نیز می تواند باشد. در اشعار ایرانی به عنوان یک رنگ در طبیعت در کلماتی مانند، لاله سرخ، گل سرخ و سرخ رو میاید، و به صورت ترکیبی، معانی انتزاعی دیگری دارد مانند: سرخ زنبور کنایه از کافر، سرخ سوار کنایه از قلب صنوبری، سرخ چشمی کنایه از خونریزی و بی رحمی. در غالب اشعار ترکیب سرخ روی، به معنی چهره برافروخته آمده است و گاه نیز کنایه از عزت و آبرو و گشاده رویی و اعتبار است.

باز آن ابلیس بحث آغاز کرد

که بدم من سرخ رو کردیم زرد (مثنوی، نی، 4: 360)

هر که خون دشمنانش میخورد مانند تیغ

در میان دوستان هرجا که باشد سرخ روست، (اهلی، کلیات، 247) - (عفیفی، 1372، ص 1410-1411)

در غالب اشعار از ترکیب یک رنگ در کنار رنگ دیگر استعاره های زیبایی ساخته میشود که معمولا رنگ سرخ در کنار رنگ زرد یا سبز می آید. ترکیب رنگ سرخ و سبز از رایج ترین ترکیب های رنگی اشعار است که در اکثر موارد در وصف طبیعت آورده شده، به ویژه اشاره به گل و سبزه دارد. بدیهی است چنین ترکیبی به واسطه حضور بسیار آن در طبیعت سهل و عادی جلوه می کند اما گاه این ترکیب، معانی انتزاعی و تشبیهی فراتر از طبیعت را در خود داراست.

یکی از این معانی در حکایت عقل سرخ سهروردی، جلوه یافته است. در این داستان روای با فردی در صحرا برخورد می کند که روی و سر و موی او سرخ است و گمان می برد که او جوان است، او در پاسخ می گوید که اولین فرزند آفرینش بوده و پیراست. او از آن رو سرخ رو دیده می شود که سپید روی بود و در چاه سیاهی افکنده و چون نور چراغ که ابتدای آن سپید است و در انتها دود دارد و میان آن سرخ می باشد، از این آمیختگی سپیدی و سیاهی سرخ دیده می شود. (سهروردی 1380، ص 228)

به تعبیری می توان گفت سپیدی، در عرفان نشانه یکرنگی و سیاهی که نشان از نور حق و نور ازل است، (سجادی 1379، ص 468، 489) و کسی که یکرنگی و بی رنگی صدق یافت و در حق فنا شد، سرخ روی دیده می شود.

عقل سرخ، یا پیر سرخ روی سهروردی راه رستگاری را به راوی می آموزد و پیر خردمند و فرزانه ایی به کمال راه یافته است.

در اشعار فارسی کاربرد رنگ به طور مستقیم و یا با کلماتی که جانشین رنگ شده و تداعی آنرا می کند غالباً همان رنگهای اصلی و بعد رنگهای ثانویه می باشد. رنگهای سرخ و سفید و زرد، نیلی، بنفش و کبود، لاجوردی، سبز و سیاه و آبی، یا فیروزه از رنگهایی است که در اشعار فارسی می بینیم، و بلکه بتوان گفت بیش از همه رنگ سرخ و سبز در اشعار بکار رفته است. شاید علت آن حضور بسیار ایندو رنگ در طبیعت و همچنین معانی وابسته به آن است. سبز همچون مثالهای آن در طبیعت رنگ طراوت و شادابی، رشد و زندگی است. سرخ رنگ گرما، عشق شادابی و سلامت و رنگ خون است که آخرین جلوه های حیات با نبود آن تمام میشود.

هر عنصر مادی که بر رنگ سرخ دلالت می‌کند کاربرد آن در شعر طبعاً رنگ سرخ را تداعی می‌کند. مانند آتش، گل، لاله، شقایق، خون، مثلاً کلمه خون، مستقیماً یادآور ویژگی‌های نمادین رنگ سرخ است.

سرخ رویی یادآور شهدای راه حق که به قول حلاج، گلگونه مردان، خون ایشان است. (عطارد، تذکره اولیاه) شهیدان کسانی هستند که با خون خویش سرخ روی می‌شوند. از اینرو بی‌شک رنگ سرخ نماینده خون شهید است، و نشان از عشق و فداکاری و دشمن ستیزی و مقاومت دارد. اگر برای شعر مقاومت و یا شعر متعهد، تعریفی قائل باشیم و آنرا از اشعار دیگر متمایز بدانیم می‌توان اوج آنرا دوره مشروطیت دانست که با شاعرانی چون ملک‌الشعرا بهار، میرزاده عشقی و عارف قزوینی و... شکل منسجم تری یافت. در شعر این شاعران رنگ سرخ علاوه بر آنکه گاه کنایه بر شادابی و یا خون دل است، رنگی جهت اعلام خطر و اعلام مبارزه و نماینده خون شهید است. و در کلماتی چون لاله، شقایق، و... تداعی می‌شود. مانند این بیت از عارف:

از خون جوانان وطن لاله دمیده

از قامت سرو قدشان سرو خمیده

بدیهی است که استفاده شاعران هر قرن از رنگ متفاوت است که البته این امر مورد بحث ما نیست. با این همه باید یادآور شد در دوران معاصر کاربرد رنگ در هنر نقاشی از مسائل مهم و بوجود آورنده سبک‌های جدید گشت که بطور خلاصه می‌توان گفت رنگ در قرن بیستم در نقاشی بیان انتزاعی یافته، در ساختاری جدید ارائه گشت. بیان انتزاعی از رنگ در شعر همان کاربرد رنگ در فضای جدید و غیر متعارف و ایجاد استعاره و ایجاز است که میتوان گفت در ادب فارسی اگرچه کمیاب است، اما در گذشته نیز بکار رفته و منحصر به دوران معاصر نیست. چنانچه در شعر ازرقی هروی، شاعر قرن پنجم سخن از رنگ قرمز برای روح، یا بنفش شدن روح رفته است:

جان ما جانا! بنفش از داغ تو چندان بود

کز بنفش عارض تو داغ دارد بر سمن (کدکنی، 1366، ص 274-275)

در میان شاعران بعد از انقلاب بیش از همه در اشعاری که برای جنگ و در سالهای جنگ سروده شد، رنگ سرخ، رنگ خون و نماد شهید و شهادت است و غالباً نیز در کنار رنگ سبز آمده است و بیشترین استعاره‌ها با این دو رنگ ساخته شده است.

به طور نمونه ترکیب سرخ و سبز در شعری از نصرالله مردانی چنین است:

افتاد هزار نعل نیلوفر عشق

بر صخره سرخ، سبز در ساحل مرگ

نصراله مردانی از شاعرانی است که بیش از همه اشعاری در رنگ سرخ و کلمه خون دارد. در غالب اشعار او کلمه خون و به طبع تداعی رنگ سرخ بسیار استفاده شده است. (نک کتاب قانون عشق، مردانی، 1387)

سلمان هراتی^۱ نیز از شاعران برجسته انقلاب است که رنگ در آثار او در تصویر سازی صور خیال بسیار موثر است ،
و در رنگ سرخ و سبز نیز تصویر سازی کرده است.

رنگ رنگ سبز و سرخ

رنگ آبی است

سبز چون جنگل

سرخ چون خون

و آبی برنگ دریا (هراتی، لک لک سفید ، 1380)

در جای دیگر میگوید :

آفتاب آن لحظه

چون چشم شهیدان

سبز بود و سرخ

یادت هست؟ (هراتی ، خاطره 1380)

در شعر دیگرش او شهید را رود سرخ می خواند و در واقع با رنگ سرخ توصیف میکند:

و گزاره خبر است

مثل این جمله : " شهید

رود سرخی است که تا ابدیت جاری است " (هراتی ، دستور ، 1380)

شاعر دیگری که فضای رنگین در اشعار او می درخشد، قیصر امین پور است.^۲ قیصر امین پور از مطرح ترین شاعران انقلاب است از اینرو شعر او به عنوان نماینده ایی از شعر انقلاب مورد بررسی قرار گرفت. در اشعار مربوط به جنگ او گذشته از تعبیر و عبارات معنوی که تداعی رنگ را می کند مانند لاله و شقایق، و ... به صراحت از کاربرد رنگها در ایجاد استعاره ها و صور خیال استفاده شده است. در شعری از او چنین آمده است:

من همسفر شراب از زرد به سرخ

من همره اضطراب از زرد به سرخ

یک روز به شوق هجر تی خواهم کرد

چون هجرت آفتاب از زرد به سرخ

در این شعر ترکیب رنگ سرخ و زرد ، اشاره به حرکت از ضعف و ناتوانی (زرد) بسوی شادی و توانمندی است.

رنگ زرد در فرهنگ ما نشانه بیماری است و اغلب در اشعار گذشتگان و امین پور نیز به ضعف و ناتوانی دلالت دارد، اما

^۱ - سلمان هراتی متولد 1338 در روستایی مرز دشت از توابع تنکابن ، مازندران ، وفات 1365 .

^۲ قیصر امین پور متولد- 1339 1386 ، گنوند ، دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران ، برگزیده شعر انقلاب 1385.

در همجواری با رنگ سرخ از زرد به سرخ یا از سبز به زرد معانی عاطفی و تصویرسازی جالبی را در خود دارد. در شعر قیصر امین پور این رنگ زرد به معنای رنجوری و کسالت و سرخ در معنای عشق و فنا آمده است.

و نیز چنین است ترکیب سرخ و سبز در شعر امین پور :

به لحظه لحظه این روزهای سرخ قسم

که بوی سبزترین فصل سال میآید (امین پور ، سبزترین فصل ، 1363)

ترکیب های رنگی مانند : سماع سرخ ، تیغ طلائی ، اوراق زرد ، دایره کبود ، کبود ارغوانی ، خطوط سربی ، آسمان سربی ، باغ سبز الفبا، زادنی سبز، سرخ مردن، آفتاب سرخ جنوبی ، سبزترین فصل، خیابان سبز عشق، سرسبز، آفتاب زرد را در اشعار امین پور می توان دید. بیشترین کاربرد در اشعار جنگ امین پور، ترکیب رنگ سبز و سرخ است که در کتاب های تنفس صبح ، در کوچه های آفتاب و از آینه های ناگهان (دفتر دوم)، از مجموعه اشعار سالهای اول انقلاب ، قابل بررسی است. او در رثای شهید چنین می سراید:

وقتی که ترا به کوی ما آوردند

گفتی که حضوری از خدا آوردند

با هودجی از سبز سخاوت رفتی

در هودجی از سرخ، ترا آوردند. (حضوری از خدا- در کوچه های آفتاب، ، 1363)

قیصر امین پور در مورد خون شهیدان با ترکیب بندی بر گرفته از رنگها چنین می گوید :

جز خون شهید هیچ خون لاله نشد

باید که زجان گذشت و صد ساله نشد

شد موی ، سفید از سیه کاری دل

خون سرخ شد از شرم که آلاله نشد.

شاعر می کوشد که رخوت خواب را با رنگ سرخ از میان بردارد، او سرخی را بر زردی آفتاب ترجیح می دهد:

برخیز که رنگ خواب را سرخ کنیم

زین و زره رکاب را سرخ کنیم

تا زرد نبیند بیا از سر عشق

با خون خود آفتاب را سرخ کنیم (در کوچه آفتاب، حوزه هنری 1363)

او از قداست رنگ سرخ آگاه است و در شعرش در رثای امام حسین (ع) چنین می گوید:

ندانم کار دیگر گون چرا بود

ز شرح و وصف ما بیرون چرا بود

گل سرخ از ز بی آبی شود زرد

رخ او در عطش گلگون چرا بود (در کوچه آفتاب، حوزه هنری 1363)

رنگ سرخ پیام مبارزه را در خود دارد و مانند ابلاغیه است.

امروز زهر گلی که در باغ شکفت

آیات کتاب سرخ ابلاغ شکفت

در کتاب گل‌های آفتابگردان او هنرمندانه با ایجاد تشبیهاتی دو رنگ سبز و سرخ را در کنار هم آورده است :

کالیم که سرسبز دل از شاخه بریدیم

تا حادثه سرخ رسیدن نرسیدیم

خون خورده دردییم و چراغانی داغیم

گل کرده باغیم و به چیدن نرسیدیم.(گل‌های آفتابگردانند، مروارید، 1380)

در شعر فارسی استعاره‌ها و تشبیهات بسیاری با رنگ سبز و سرخ آورده شده است، این دو رنگ در ترکیب رنگها با هم مکمل است و در معنای انتزاعی ترکیب رنگی است که از رشد و پویایی و حیات طبیعی (سبز) به شهادت و مرگ یا زندگی عاشقانه (سرخ) می‌انجامد. در کنار هم آمدن این دو رنگ از عرصه حیات تا عشق راه پیمودن است. در عرفان اسلامی، «کمال مطلق را که با وحدت حقیقی متحد شده باشد، سبزی می‌گویند»، (سجادی، 1379 ص 457).

سبز رنگ مسلمانان و در قرآن رنگ باغ‌های بهشت (سوره الرحمن، 64) و جامه بهشتیان (انسان، 21) است و این امر چنان شناخته شده است که پرچم بسیاری از کشور های مسلمان رنگی از سبز در خود دارد. گنبد آرامگاه پیامبر اسلام (ص) نیز به رنگ سبز است .

سبز مرحله‌ای مهم در سیر و سلوک است و در مقامات عرفانی از دیدگاه نجم‌الدین رازی چنین آمده است:

"و چون ظلمت نفس کمتر شود، و نور روح زیادت گردد، نوری سرخ مشاهده می‌شود. و چون نور روح غلبه گیرد نوری زرد پدید آید. و چون ظلمت نفس نماند، نوری سپید، پدید آید، و چون نور روح با صفای دل امتزاج گیرد، نوری سبز پدید آید. و چون دل تمام صافی شود، نوری چون نور خورشید با شعاع پدید آید." (رازی، 1383 ص 170)

در واقع یکی از مراتب بالا در راه سیر و سلوک رنگ سبز را در انوار سالک به همراه خواهد داشت که در مرحله چهارم است، به عبارتی این رنگ در هاله سالک دیده می‌شود، که رنگ روح اوست. استاد نجم رازی، نجم کبری، همانند شیخ اشراق در داستان عقل سرخ، رنگ سرخ را رنگ عقل فعال می‌داند.

سیاه در اشعار غالباً تأکید بر ظلم و ستم است و مرگ و عزاداری را نیز یادآور است و در شعر نو غالباً رنگ ظلم و بیداد است. سیاه در اشعار گاه به مفهوم عرفانی آن بکار میرود. در عرفان اسلامی، سیاه رنگ حق است و فنا در ذات او را می‌طلبد و وادی هفتم سلوک، از دیدگاه نجم کبری می‌باشد. اما علاءالدوله سمنانی از عرفای قرن هشتم ه. ق، بعد از مرتبه نور سیاه، نور سبز را می‌شناسد و آنرا چون نور محمد (ص) می‌داند در واقع با گذشتن از نور سیاه که فنا در حق است و باز شناسایی مجدد خود اینبار سالک در قرب باو، حرکت اش از سیاه به نور سبز است، تا آن که سرشت خود راستین‌اش بتواند بر او نمایان شود، این جایگاه تجلی و حالت دوست خداست. (کربن، 1383، ص 185).

در تعلیمات نجم کبری، رنگ سبز رنگ دل و سرزندگی آن است، و رنگ سبز آخرین رنگی است که باقی می‌ماند، و از برکت همین رنگ است که برای سالک پیشرفت‌هایی حاصل می‌شود.

در این رنگ اگر کدورتی بود کدورت نفس سالک است، در این رنگ نیرویی فوق‌العاده و عشقی و ذوقی بسیار نهفته است و گاه نقاط سرخ رنگی در این فضای سبز روحانی دیده می‌شود. (کربن، 1383، ص 121)

در واقع سالک از چاهی سیاه به بیرون حرکت می‌کند به راهنمایی و شوق نور سبزی که در دهانه چاه است. در واقع به عبارتی می‌توان تعبیر هانری کربن را از بیانات نجم کبری در باب رنگ سبز و سرخ چنین خلاصه کرد که رنگ سبز رنگ نفس مطمئنه است و رنگ سرخ رنگ عقل است در سپهرهای درونی در میان رنگ سبز زمردین، ستاره‌ای به رنگ سرخ سربرمی‌آورد، که بنا بر گفته نجم کبری نوید بخش عقل در چهره‌های دوگانه‌اش می‌باشد. (کربن، 1383، ص 125)

ترکیب سبز سرخ

آنچه از معنای دو رنگ سبز و سرخ در میابیم آنست که، این دو رنگ از مراحل اساسی در معناست و ریشه در معرفت دینی داشته معانی مقدسی را تداعی میکند. و چون این دو رنگ در دنیای مادی و جهان اطراف مثال‌های متنوعی در رابطه با حیات و ممت انسان را در خود داراست، بیشتر از دیگر رنگها استفاده می‌شود.

براستی در آثاری که برای امام حسین (ع) که الگوی شهیدان است، به تصویر درآمده، دو رنگ سرخ و سبز، قالب است. در شعر دیگری از امین پور میخوانیم:

این سبز سرخ کیست؟

این سرو سبز راز چه در خاک می‌کنید؟

این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟

و در ادامه همین شعر می‌گوید:

او را چنان که خداست

با آن لباس سبز بکارید

با آن لباس لاله

غسل و کفن ندارد این سبز سرخ‌ها

او را چنان که خداست

با آن لباس سبز بکارید

تا چون همیشه سبز بماند

تا چون همیشه سبز بخواند.

او را وقتی که کاشتند

هم سبز بود و هم سرخ

آیا "سبز سرخ"، جز تصویر نمادین از شهید و یاد آور امام حسین(ع) میتواند باشد؟ آیا این همان شهود شاعر نیست که اشاره به معنای رنگ در عرفان داشته معنای آن در هستی را تصویر میکند؟

ترکیب رنگ "سبز سرخ" ترکیب جدیدی است که در شعر انقلاب دیده می شود و نگارنده در آثار گذشتگان نمونه ایی نیافت . فقط در شعر ناتمامی از سلمان هراتی سبز سرخ بدین شکل آمده است:

هنوز عکس تو در دستهای دیوار است

هنوز کوچه از آن سبز سرخ سرشار است. (هراتی ، 1383، ص319)

و میتوان ترکیب موکد و نمادین سبز سرخ را ویژه شعر انقلاب و تاکیدی از قیصر امین پور دانست.

این رنگ انتزاعی در شعر انقلاب تصویر انتزاعی از شهید و مفهوم شهادت و مرحله ایی از سلوک عارفانه یا زندگی عارفانه است. در اینجا یاد آوری جمله ایی در درک بیشتر و نتیجه گیری میتواند موثر باشد: "گنزت عالم منطق ریاضی می گوید: در هر ساخته انتزاعی ، رسوبی شهودی که زایل ساختنش غیر ممکن است و همان چیز است که ارزش و معنای آن ساخته را فراهم می آورد ، وجود دارد . " (ستاری ، 1366، ص14)

انتزاع و نماد گرایی شهید در دو رنگ سبز و سرخ دقیقاً در اثری از علی وزیریان (تصویر 7) ، با عنوان **شهادت** ، در دوران خود بسیار بدیع و شاعرانه تصویر شده است و دقیقاً رنگهای آن هماهنگ با شعر انقلاب است. رزمنده ایی که رنگ لباس او به سبزی می گراید ، بی سر ایستاده است ، گویی به افق مینگرد و در مقابل او سروی به رنگ سرخ در هاله طلایی خورشید می درخشد ، تقابل اشکال و ترکیب بندی اثر و حرکت بصری ایجاد شده به سوی سر رزمنده است و نمادگرایی رنگ و حتی کاربرد سمبل سرو برای شهادت همان تعبیر آورده در اشعار انقلاب است و می توان نام دیگر این نقاشی را سبز سرخ گذاشت.



7-



8

با توجه به اینکه رنگ خاص ایران رنگ آبی فیروزه‌ای به نام سنگ معروف آن می‌باشد و در آثار تاریخی ایران آبی فیروزه ایی رنگ قالب در کاشیکاری ها و ظروف ایرانی است، این رنگ را میتوان رنگ ملی ایرانیان دانست که در عین حال با رنگ آکر رنگ فضایی با آب و هوای خشک و خاک این سرزمین هماهنگی دارد. لذا میتوان نتیجه گرفت که رنگ سبز در فام‌های مختلف آن در کنار رنگ سرخ مظهر قیام و شهادت حسینی است. در جنگ تحمیلی نیز رزمندگان غالباً

نوار سبز یا قرمز به پیشانی می‌بستند که این امر خود سمبلی برای ایشان گشت و حتی نقاشی از نقاشان انقلاب بانواری سرخ بر درخت سرو یعنی از ترکیب دو نماد یکی سرو نماد مرگ و در عین حال نماد جاودانگی، و رنگ سرخ نماد زیبا بدیع و ایرانی از شهید و شهادت را تصویر کرده است. (تصویر 7) در نقاشی انقلاب فضاهای ساخته با رنگ سبز و سرخ، فضاهای شهادت و مبارزه گشت که در مواردی چون رنگ لاله، و خون و پرچم، سرو، لباس ... استفاده شد. رنگهای سرخ، سبز، آبی، سفید، طلایی از رنگهای غالب در نقاشی انقلاب گشت و نقاشان مختلف انقلاب بنابر ذوق و روحیه خود این رنگها را برگزیدن اما ترکیب سرخ و سبز رنگ غالب مبارزه و شهادت است. چنانچه در میان آثار هنرمندان انقلاب بدنبال این دو ترکیب رنگی باشیم؛ بطور مثال اگر چه رنگ غالب در آثار حبیب‌الله صادقی آبی است اما حتی او نیز ترکیب سرخ و سبز را بطور نمادین در بعضی آثارش دارد. در آثار مصطفی گودرزی، سبز، سیاه، قرمز، بیشتر دیده میشود. در آثار چلیپا سرخ، سرخ و سفید، در آثار ناصر پلنگی، فام‌های سبز و طلایی و سرخ، صدیقه سلمان آبی سبز تا سورمه آبی دیده می‌شود. اثر بعضی از نقاشان انقلاب را در کاربرد چند رنگ می‌توان خلاصه کرد و بعضی دیگر در چرخش و تنوع موضوع رنگهایشان متفاوت است. اما در مجموع در آثار سالهای اول بعد انقلاب رنگ قرمز و سبز بیشتر دیده میشود که بر معنای مبارزه و شهادت تاکید دارد.

نتیجه گیری:

رنگ از عوامل بسیار مؤثر سازنده صور خیال متنوع در ذهن مخاطب می‌باشد. رنگ بارزترین عامل، در شعر و نقاشی اهمیت بسیار است و می‌توان با آن ایجاد، استعاره، تشبیه و تشخیص کرد. تنوع رنگ در اشعار ایرانی و فرهنگ ما با تنوع آن در میان ملل دیگر یکسان نیست. با رنگ در شعر می‌توان بر حس بصری تاکید ورزید، و مجازها و استعاره‌های خاصی از توسعه کاربرد رنگ در مورد غیرطبیعی خود، بکار گرفت. بسیار امور معنوی را که به شکل در نمی‌آید می‌توان با رنگ بیان داشت و بسیاری از مفاهیم مانند ظلم، مبارزه، شهادت، و ... را با انتخاب یک رنگ مناسب می‌توان نشان داد. استعمال رنگ‌هایی که در طبیعت دیده می‌شود در موضع غیرطبیعی خود ایجاد استعاره‌ها و مجازهای مختلف می‌کند. بعضی هنرمندان به مسئله رنگ حساسیت بیشتری دارند و بعضی حتی به یک رنگ بخصوص بیشتر تأکید می‌کنند، و گاه شاعر یا نقاش می‌کوشد در رنگ‌های مجازی معانی جدید را کشف کند.

آفریدن صفات زیبا یکی از ابداعات و نوآوریهای شاعر است، هر سخنوری دو نوع واژه بکار می‌برد، یکی واژه‌های عام که با دیگر سخنوران مشترک است، دسته دیگر واژه گان خاص اوست که گاه میتواند سبک ساز باشد. همانطور که کاربرد بسیار رنگ سبز و سرخ در اشعار و نقاشی انقلاب ویژگی آنست، ترکیب سبز سرخ صفتی که برای شهید ساخته شده است، ترکیب و لغت خاصی است که استعاره زیبا و پر معنای ساخته دوره انقلاب است.

منابع و ماخذ:

- امین پور، قیصر (1363) تنفس صبح، انتشارات حوزه هنری.
- امین پور، قیصر (1363) در کوچه باغ آفتاب، انتشارات حوزه هنری.

- امین پور ، قیصر (1384) گزینه اشعار ، چاپ هشتم ، مروارید.
 - امین پور ، قیصر (1380) گل‌های آفتابگردان ، مروارید.
 - ایوتادیه ، ژان (1378) نقد ادبی در قرن بیستم ، ترجمه مهشید نو نهالی ، انتشارات نیلوفر .
 - رید ، هربرت ، 1371 معنی هنر ، ترجمه نجف دریا بندی ، چاپ چهارم.
 - عفیفی ، رحیم (1372) فرهنگنامه شعری ، ج 2 سروش .
 - سهروردی ، شهاب‌الدین (1380) مجموعه فصلنامه شیخ اشراق، تصحیح، سید حسین نصر، جلد سوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
 - سجادی ، سید جعفر (1379) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی ، انتشارات طهوری ، چاپ پنجم .
 - شفیعی کدکنی ، محمد رضا 1366، صور خیال در شعر فارسی ، موسسه انتشارات آگاه ، چاپ سوم.
 - لنگرودی ، شمس (1377) تاریخ تحلیلی شعر نو ، ج 4 ، نشر مرکز .
 - کاندینسکی (1384) معنویت در هنر ، ترجمه اعظم نورالله خانی چاپ سوم .
 - کرین ، هانری (1384) انسان نورانی در تصوف ایرانی ، ترجمه فرامرز جواهری نیا ، چاپ دوم .
 - نجم‌الدین رازی 1383، گزیده مرصادالعباد، به انتخاب و با مقدمه دکتر محمد امین ریاحی، انتشارات علمی، تهران.
 - هراتی ، سلمان (1380) مجموعه کامل شعر سلمان هراتی ، دفتر شعر جوان ، طلوع آزادی .
 - هاروارد آرناسن ، یوروارد (1367) تاریخ هنر نوین ، ترجمه محمد تقی ، فرامرز ، انتشارات زرین ، انتشارات نگاه ،
- Bowness, Alan (1972) Modern European Art, Thames and Hudson.